پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

عمر فیض- کلکسیون پرچم اهدا برای آن هایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

شماره هشتم سال دوم دوشنبه ۲۲ ثور ۴۸ – ۱۲ می ۶۹، شماره مسلسل ۶۰

دافغانستان خلك دی چه واقعی ستر قدرت تشکیلوی نه مرتجعین، مستبدین او متنفذین ځکه یواځی خلك دی چه د تاریخ محرکه قوت جوړوی.

دمبارزی جرأت په ځان کی پیداکړی، له کړاونو مه واربږی، خنګ په خنګ سره مخ په وړاندی درومی، یواځی په دغه صورت کی به نیك مرغی او خوښی دخلکو به برخه شی او ټول مرتجعین، مستبدان او استعمار گران به له منځه لاړ شی او خلك به بریالی شی.

دانتخاباتی مبارزی دپاره

دائتلافی جبهی تشکیلول زموږ ضروری او فوری وظیفه ده

په اوسنی حال کی د ټولو ملی، دموکراتیکو، ترقی غوښتونکو اووطن پرستو افرادو، محافلو، ډلو سازمانونو او قوتونو ضروری اوفوری وظیفه داده چه دپار لسمی دوری دانتخاباتی مبارزی دپاره اوپه انتخاباتو کښی دګډون دپاره دافغانستان دخلکو دچمتو کولو په خاطر، دارتجاعی حاکمو طبقاتو دناپاکی جبهی دکمزوری کولو اودارتجاعی محافلو او دخارجی فتنه اچونکو شبکو ددسیسو دشنډولو په غرض، یوه ائتلافی جبهه جوړه کړی.

دابه ستره اشتباه وی که یو له ملی، دموکراتیکو، ترقی غوښتونکو او وطن پرستو افرادو، محافلو، ډلو، سازمانونو او قوتونو څخه دخود خواهیو او په خپلو کی داختلافاتو په اساس، یا دشخصی اوسازمانی بلند پروازیو او دداخلی او خارجی دښمنانو دلمسون په اساس په غلطه سره په اوسنی حال کښی خپل عمده دښمن په خپل مینځ کی وګڼی او د دانتخاباتی مبارزی په جریان کی یو بل سره شنډ کاندی او په پای کی په انتخاباتو کی دارتجاعی محافلو دبریالی توب سبب شی.

ترکومه ځایه چه دافغانستان دخلك دموکراتیك جریان پوری اړه لری په میړانه، صراحت او بشپړ صداقت سره دهر ډول رفیقانه، صمیمی او دوستانه مفاهمی دپاره دائتلافی جبهی دشکل اوخصوصیت په باره کی، دګډ دښمن په مقابل کی دګډ عمل، دګډ پلاتفورم، او دګډی حوزو دصحیح او کټور ویش دپاره خپل چمتووالی اعلانوی.

لا هم وخت شته، باید ژرترژره له ملی لوړو دودونو سره سم خپلی مشورتی جرګی تشکیل کړو.

که داسی ونشی، نودواقعی ملی، دموکراتیکو ترقی غوښتونکو او وطن پرستو عناصرو ترمنځ له تیتوالی او نفاق څخه دراپیدا کیدونکو عواقبو مسؤولیت به دنفاق اچونکو او یاره ونکو په غاړه وی چه دافغانستان د خلك او ملت به یوونه بخښی او دافغانستان دخلك دموکراتیك جریان به له اوضاع او احوال سره سم دخپلی انتخاباتی تی جاری پالیسی مطابق په زړه ورتیا سره مخ په وړاندی دروی.

(ج. د. خ. ا)

بارق شفیعی

برنامه‌های نمایشی هرگز نمیتوانند مشکلات استادان و معلمان کشور را حل کند!

سیر درنگ ناپذیر پروسه تکامل در جریان کار اجتماعی، از تفکر اندیشناك انسان مغاره نشین تا هجوم شجاعانه بشر راکت سوار به ماه و زهره، باز گوینده این حقیقت درخشان است که: کسی بخواهد یانخواهد جامعه تغییر میکند. پیوسته به پیش میتازد و در مسیر خویش بالاخره هرسد سدبندی را از هم می پاشد و هر قدرت قهاری را در هم میکشند، با مشکلات پنجه میدهد و از موانع میگذرد.

امواج خروشان وپیش آهنگ این سیل تازنده وپایان ناپذیر جریان تکامل بشری را اندیشه های خلاق وبازوان نیرومند انسانهائی تشکیل میدهد که در سازمان تولید اجتماعی نعم مادی نقش اساسی، آفریننده و دورانساز دارند.

دربرابر آن، تلاش مذبوحانه بمنظور حفظ استقرار ارتجاعی وضع موجود در تمام شئون اجتماعی و میخکوب کردن عوامل ناآرام ورشدیابنده بجهت یك تغییر اساسی و ایجاد نظام نوین زندگی، انعکاس دهندهٔ کاملعیار خصلت متحجر ورجعت پسند طبقات حاکمه مرتجع در جوامع طبقاتیست.

منجمله در کشور ما نیز طبقات حاکمهٔ ارتجاعی سالهاست برای دفاع از موقف ستمگرانه، ولی رو به زوال خویش وحفظ وضع موجود به منظور بقای تسلط خود، از طریق استوار نگهداشتن پایه های لرزان و سست بنیاد فرهنگ فرسوده ملاکی وفئودالی وترمیم آن باپیوند ناجور دانش ارتجاعی بورژوائی که فاقد هرگونه محتوی مترقیست، مصروف خلع سلاح کردن خلقهای زحمتکش وفرزندان با استعداد طبقات محروم کشور اند. معهذا با ایجاد مانورهائی نظیر برگزاری روزی به نام «جشن معلم» وبرنامه های نمایشی دیگر، بروی ماهیت حقیقی خویش پرده می افگنند.

اگر چنین نیست، چرا مقامات مسؤول معارف وپوهنتونهای کشور آزادی تدریس دانش مترقی را از معلمان و استادان شریف ووطنپرست سلب کرده اند، چرا دست وزبان استادان تحول طلب وترقیخواه کشور را بزنجیر به اصطلاح توأمینهای اسارت آور با مراکز بخش وتعمیم ایدئولوژی ارتجاعی بورژوائی که جز پیوند فرهنگ پوسیده فیودالی با استعمار فرهنگی غرب، هدف و مفهومی ندارد بسته اند، چرا زمینهٔ استفاده معلمان واستادان معارف و پوهنتون را از تازه ترین اطلاعات وپدیده های علمی منابع مترقی جهان روز تاروز محدود ومحدودتر می سازند وراههای ورود آثار مترقی علمی را به مراکزفرهنگی مملکت مسدود می نمایند، چراوسایل تحصیلات عالی و انکشاف سویهٔ علمی معلمان و استادان رابه پیمانهٔ سرتاسری کشور تهیه نمی بینند، چرابنحوی ازانحا جلو اشتراك فعال معلمان وطنپرست ترقیخواه را درامور سیاسی واجتماعی کشور، در تعیین سرنوشت وطن محبوب شان میگیرند وآنانرا از جریان تکامل جامعه و اندوختن تجارب علمی در زمینه های مختلف حیات اجتماعی باز میدارند، چرا به رفع تشوشات روحی وذهنی معلمان واستادان وطنپرست وبادرد که اکثریت آنانرا عناصر مربوط به طبقات زحمتکش وطن تشکیل میدهد نمی پردازند، چرا اکثر معلمان و استادان شریف کشور غذای کافی وصحی گرفته نمیتوانند، لباس آبرومند ندارند، صحت ندارند، خانه ندارند ونیمی از وقت، نیرو و انرژی شان که باید در خدمت آموزش و پرورش فرزندان هموطن شان بکار رود، در خارج وظیفه ارجمند معلمی بکار های دیگری، آنهم به غرض تامین غذا، لباس، دوا وکرایه منزل فامیلهای بینوای آنان بهدر میرود، وبالاخره چرا معلمان بی دفاع کشور همینکه نتوانستند خاطر مبارك آغازاده های طبقات حاکمه را ازخودراضی نگهدارند ازطرف ارباب نفوذ محلی، بروکراتان ومامورین عالی رتبهٔ فاسد وهمچنان ملاکان وفیودالان بزرگ وازخودراضی وسرمایه داران سوداگر ودلال خارجی مورد تهدید وتخویف، توهین وتحقیر وضرب وشتم قرار میگیرند وحتی به دستیاری گردانندگان معارف و نمایندگان محافل حاکمه در مرکز و ولایات کشور شامل لست های سیاه میشوند، دوسیه های سیاسی و جنایی پیدا میکنند، تعقیب وتکفیر میشوند، طرد میگردند وبزندانها می افتند؟

اینها ودهها چرای دیگر نماینده این حقیقت مسلم است که نمایندگان طبقات حاکمه و حامیان سرسپردهٔ حفظ استقرار ارتجاعی وضع موجود نمی خواهند روزنهٔ روشنی ازدانش پیش آهنگ و مترقی بسوی دل و دماغ فرزندان خلقهای زحمتکش وطن این سازمان دهندگان واقعی هستی اجتماعی وطن ستمدیدهٔ ما باز گردد، تابدینوسیله جلو رشد شعور طبقاتی

(ص۲)

افکار عامه توقیف‌های خودسرانه

وغیر قانونی را محکوم میسازد

بر طبق خبر روز نامهٔ اصلاح (چهار شنبه ۱۷ ثور) سه تن از جوانان وطن پرست و لسوالی گذره ولایت هرات: عبدالعلی کارگر، غلام سخی دهقان، و غلام فاروق محصل پوهنځی انجنیری بالترتیب هر یك به چهار سال و سه سال حبس محکوم گردیده اند. در خبر منتشرهٔ در روز نامهٔ اصلاح ادعا گردیده است که گویا ایشان «درایجاد بی‌نظمی وتشویش میان مردم هرات و توهین دستگاه رسمی و دولتی» دست داشته اند.

قدر مسلم اینست، قانون‌شکنان که خودرا مجری قانون میدانند و کسانیکه عقده تفوق وحقارت دارند به بهانهٔ ایجاد بی نظمی و«اخلال امنیت» دست به یك سلسله اعمالی میزنند که در واقعیت امر خود به شیوهٔ انتقام جویانه مؤجد بی‌نظمی واخلال امنیت می گردند. تجربه نشان داده است: هنگامیکه مردم به استناد و استفاده از حقوق وآزادی های مصرح در قانون اساسی علیه قانون شکنی‌ها، سوء استفاده ها، استبداد، ستم، ارتشاء واستثمار مبارزه کرده، ریشه ها و علل، مرتکبین و مجریان آنها را جستجو وافشاء نموده اند، مقامات مربوط دولتی فورا اتهام «برهم زدن نظم و آرامش و اخلال امنیت» را بر آن‌ها بسته‌اند، کهچنین شیوه‌ئی از دیر زمان بدینطرف از جانب مقامات‌دولتی نه تنها در هرات، بلکه در تمام ولایات دیگر ودر مرکز (کابل) به شدت تعقیب واعمال میگردد.

استفاده ازین بهانه اکنون عام گردیده است، چه بسا کارگران شریف وزحمت کش که تحت همین عنوان از کار اخراج و آواره شده و جوانان وطنپرست از حق تحصیل محروم میگردند. ماموران پولیس و معلمان وطنپرست به این بهانه بعناوین مختلف اضافه بستی، تبدیلی های نابهنگام و غیر طبیعی و به طرق دیگری بی سرنوشت و سرگردان میشوند.

پیوسته به ملاحظه رسیده است: کارگران، شاگردان و محصلانیکه جهت تامین خواستهای صنفی و عادلانه خود به اعتصاب، مظاهره و تشکیل متینگها یی دست زده و مطالبات خودرا اظهارکرده اند، برای عده مورد نظر آنان تحت همین بهانهٔ معمول «ایجاد بی نظمی واخلال امنیت» دوسیه ها ساخته‌شده، بطور غیر قانونی باز داشت گردیده، به محاکمه کشانیده شده و زندانی گردیده اند.. در حالیکه عملا قانون شکنی و شیوهٔ حرکت‌تحریك آمیز مقامات دولتی فضای بی نظمی و تشویش راخلق کرده‌است. اگر چنین نباشد به طور مثال، اولاً در برابر شمول عدهٔ زیادی ازفارغ‌التحصیلان صنوف دوازدهم لیسه های مرکز وولایات کشور به پوهنتون، که با تحمل هزاران مشکل، آرزو واشتیاق ادامهٔ تحصیل را دارند، ایجاد مشکلات به طور مصنوعی بوسیلهٔ سیستم کانکور غیر عادلانه، چه مفهومی دارد؟ ثانیاً چرا تا مدت زیادی دربرابر خواستهای معقول ایشان بدون موجب مقاومت صورت گرفت وثالثاً در برابر فیصلهٔ صریح ولسی جرگه که نصاب نمرهٔ شمول به پوهنتون را شکست مهر سکوت بر لب زده شده، تعلل به خرج داده‌شده‌است، آنگاه‌که‌محصلان سرگردان و با سرنوشت مجهول به طور قانونی ومسالمت آمیز برای احقاق‌حقوق‌خویش‌مبارزه کردند عده‌ئی از ایشان خلاف قانون باز داشت گردیدند، همچنین روش خشنی که در برابر خواستها و مبارزات قانونی شاگردان لیسه نجات و لیسه های دیگر مرکز در آغاز سال جاری در پیش گرفته شد مؤید آنست که چگونه برای ادامهٔ وضع ایجاد شده عمداً تحریکاتی صورت‌گرفت، عوض آنکه در برابر آنان با ابراز اندکی حوصله ونرمش پذیری برخورد درست صورت گیرد و جواب معقول خواستهای ایشان بر آورده شود به طور تحریك امیزی به باز داشت عده ئی از شاگردان لیسه های نجات، غازی وحبیبیه اقدام گردید.

تمام این اعمال تحریك آمیز تهدید و فتنه انگیزی های پولیس خارنوالی ودیگر مقامات دولتی می رساند که تصور کردد عمدی وسوء نیتی در کار است تا با ایجاد فضای بی نظمی به بهانهٔ «اخلال امنیت» با توجیه نا درست مواد قانون اساسی واستناد به قوانین کهنه مناقض روحیه و مواد مصرح قانون اساسی به حقوق و آزادی های دموکراتیك مردم دستبرد زده شود.

مردم از دیر زمانیست که این سوء نیت محافل حاکمهٔ ارتجاعی کشور را درك کرده اند وبرای همیشه در برابرآن خاموش نخواهند نشست، که البته مسؤولیت ناشی از آن به عهدهٔ آنانی خواهد افتید که خود به شکل تحریك آمیزی امنیت را اخلال میتمایند و می خواهند مؤجد آن دیگران را نشان دهند.

افکار عامه بر مقامات حاکمه در مورد بازداشت و توقیف جوانان وطنپرست هرات، معلمان، محصلان فارغان و شاگردان لیسه های مرکز وولایات کشور به بهانهٔ «اخلال امنیت»، اعتراض می نمایند و رهائی فوری آنان را انتظار دارند.

مسؤولیت عواقب خطرناک

جنگ در شرق میانه بدوش اسرائیل است

اسرائیل باعزام کوماندوها در داخل خاك جمهوریت متحد عربی جهت اجرای ماموریت ها ی تخریبی درمنطقه‌نیل علیا امکان حل پرابلم شرق‌میانه‌را از طرق مسالمت آمیز، بیش‌ازهروقت دیگر محدود ساخت وبه‌این منطق که مساله اعراب و اسرائیل را تنهااز راه اعمال قوت میتوان‌حل‌کرد، بیشتر قوت بخشید، وامیدواریهای خوشبینانه دربار ه نتیجه کنفرانس وزرای خارجه‌چهار کشور بزرگ رابه نا امیدی نزدیك گردانید. تحریکات جدید اسرائیل نشانداد که حتی پلان شش فقره ای ملك حسین پادشاه اردن با تمام گذشتیکه در آن به نفع اسرائیل صورت‌گرفته بود، نمی تواند‌متجاوزرا مجبورسازد که به ندای عقل سلیم گوش دهد.

صدر اعظم اسرائیل برای درست جلوه دادن این عمل ماجراجویانه حکومت خود میگوید که اجرای عملیات‌تخریبی درداخل خاك‌جمهوریت متحد عربی، که در آن بر اساس ادعای‌خود اسرائیلیها، نه‌پل ویك‌لین انتقال برق در منطقه نیل علیا ازبین برده شد، بمنظور آن صورت گرفت تاجمهوریت متحد عرب اوربند (۷) جون ۱۹۶۷ پیشنهادی ملل متحد را مراعات کند.

بملاحظهٔ آتش باریهای توپخانهٔ اسرائیل در امتداد کانال سویز، تعرضات هوائی اسرائیل در شرق دریای اردن وسطوح مرتفع گولان درداخل خاك سوریه ودیگر تحریکات اسرائیل و باستناد راپورهای ناظرین ملل متحد میتوان گفت که این ماجراجویان صهیونی هستند که اوربند را نقض کرده اند، نه اعراب. مضحك تر اینکه اسرائیل از جمهوریت متحد عربی ودیگر کشور های ذیعلاقه عربی می خواهد که مقررات اوربند درداخل خاك خودرا مراعات نمایند، چه این اوربند از طرف ملل متحد پیشنهاد شده است، درحالیکه خودهیچ‌گونه اعتنائی به فیصله ۲۲ نومبرسال ۱۹۶۷ که شامل‌بیرون کشیدن عساکراسرائیل از مناطق اشغال شده میباشد، نمی کند. توقع مراعات اوربند از اعراب معنی آنرادارد که آنها (اعراب) باید وضع موجودرا باسرحدات موجود بین اعراب واسرائیل مراعات نمایند، درصورتیکه اسرائیل چندین برابر خاك اصلی خویش زمین های مربوط به اعراب را (در فلسطین و دیگر کشورها ی عربی)، اشغال نموده وپیوسته اعلان میدارد که حاضر نیست از سرحدات فعلی عقب برود، جز منطق زور هیچگونه معقولیت ندارد. چنین تقاضا در حکم آنست که اعراب تصرف سر زمینهای‌شانرا توسط اسرائیل برسمیت بشناسند و بگذارند که صهیونیسم و وامپریالیستها آنچه راکه از طریق تجاوز و آواره ساختن دو ملیون عرب بدست آورده اند، باخاطر آسوده تصاحب نمایند و پلانهای مربوط به سیاست توسعه جوئی خود را درساحهٔ وسیعی بین نیل و فرات پیش ببرند.

(ص۳)

پرچم

دافغانستان دخلك دموکراتیك افکارو خپرونکی

۲۲ ثور ۱۳۴۸

جمهوریت دموکراتیک توده‌ای

کوریا برای وحدت ملی و ترقی کشور خود مبارزه میکند

جمهوریت دموکراتیك توده ای کوریا بتاریخ (۲) اپریل سی و هفتمین سالگرد تاسیس اردوی کوریائی ضد اشغالگران جاپانی را تجلیل نمود.

خلق کوریا در حیات ملی خویش به این روزاهمیت به‌سزائی قایلند. مردم کوریا که برای مدتی بیش از (۴۱) سال تحت اشغال امپریالیست‌های جاپان بسر بردند، به خاطر رهائی از توهین اسارت بیگانگان، مبارزات آزادیبخش ملی خویش را به اشکال مختلف دنبال کردند.

پیکار ملی خلق کوریا در سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۲ تحت تاثیر جهانبینی علمی واوضاع جدید بعد از جنگ اول جهانی بطور منظم وسیستماتیك آغاز گردید. اشغالگران جاپانی در راه قلع وقمع جنبش آزادیبخش ملی مردم کوریا از هیچ نوع خشونت و قساوت دریغ نکردند، زندانها را از آزادیخواهان پر نمودند وبسیاری از وطنپرستان کوریائی بطرزوحشتناك وبیرحمانه‌ئی اعدام واز بین برده شدند. آنها امکان هر نوع فعالیت قانونی را ازمردم کوریا سلب کردند. جبر و تشدد استعمار گران جاپانی خلق کوریا را مجبورساخت که تحت رهبری زعیم ملی وانقلابی خویش (کیم ایل سونگ) طرق دیگری را جستجو نمایند. آنها در سال ۱۹۳۲ اردوی کوریائی متشکل از فرزندان کارگران ودهقانان کوریا راتاسیس نمودند.

همین اردو بود که به کمك‌قشون اتحاد شوروی درسال ۱۹۴۶ با شکست دادن جاپان، استقلال کوریا را در شمال خط ۲۸ درجه عرض‌البلد بدست آورد.

جمهوریت دموکراتیك توده ای کوریا از سال ۱۹۴۶ باینطرف واز زمانیکه‌زمام‌امورآنکشور بدست خلق افتید، به ترقیاتی نایل گردید که در تاریخ آن سابقه ندارد. تولیدات صنعتی بیش از (۴۰) برابر گردید. در ساحهٔ زراعت پیشرفت‌های زیادی نصیب مردم کوریا شد و امروزه آنها میتوانند نیاز مندیهای شانرا از نظر خوراکه ومایحتاج مواد خام صنعتی تامین نمایند.

در زمینه معارف ترقیات مردم کوریا بی سابقه است، چنانکه ۲٫۶۰۰٫۰۰۰ طفل وجوان جمهوری توده‌ای کوریا در ۹٫۲۶۰ موسسه‌تعلیمی مصروف تعلیم وتحصیل مجانی می‌باشند. این ارقام برای (۱۲) ملیون وهفتصد هزار نفرنفوس جمهوریت دموکراتیك کوریا درمقایسه با ۷۲۲۶ موسسه تعلیمی برای بیست و نه‌ملیون وهشتصدهزار نفر نفوس کوریای جنوبی بذات خود گویای تفاوت عظیمی در سویهٔ پیشرفتها وترقیات بین دو کوریا واصالت راه رشد جمهوریت دموکراتیك توده‌ای کوریا نسبت به راه رشد کوریای جنوبی است.

دربروگرام ده فقره‌ئی جمهوریت دموکراتیك کوریا نکات عمدهٔ آنرا صنعتی‌ساختن کشور، تقویه ظرفیت دفاعی آن ووحدت کوریا تشکیل میدهد، تاکید میگردد که باید تولیدات صنعتی کشور در چند سال معدود آینده دو چند گردد و در ساحهٔ زراعت آن انقلابی بوجود آید. همچنان به صنایع سنگین بازهم حق قدامت داده شده است.

امروزه هدف پلانهای زراعتی در جمهوریت دموکراتیك توده‌ای کوریا تنویر تمام روستا‌های این کشور به نور برق (اکنون ۹۸٫۲ فیصد از قراء آن دارای برق میباشد)، میکانیزه کردن و استعمال هرچه بیشتر مواد کیمیاوی در زراعت می باشد.

کیم ایل سونگ رئیس حزب کارو صدراعظم جمهوریت دموکراتیك توده ای کوریا می‌گوید: «بلند بردن سویهٔ زندگانی مردم وظیفهٔ درجه اول حکومت است. مبارزهٔ مادرراه تعمیر سوسیالیزم و... از خود هدفی دارد وآن عبارت از بر آوردن کامل نیاز مندیهای مادی ومعنوی مردم، تامین فرهنگ وسعادت برای همه می باشد».

حزب کار جمهوری دموکراتیك توده ای کوریا در تحقق و اجرای پروگرام اقتصادی، ترقی علمی وفرهنگی و پیشبرد امور سیاسی وایدئولوژیکی بر اساس پرنسیپ حل مستقل پرابلمهای انقلاب، ساختمان سوسیالیزم، اتکاء به‌خود، تطبیق خلاق، به جز می جهانبینی علمی و بکار بردن تجارب دیگر کشور های‌سوسیالیستی مطابق‌به شرایط مشخص تاریخی و سیمای خاص کوریا عمل می کند.

کیم ایل سونگ درین مورد می‌گوید: «مقصد ما از ایجاد اقتصاد مستقل ملی‌به نیروی خود، این نیست که روابط اقتصادی بین‌المللی رد گردد و هر چیز مورد ضرورت را خود ما تولید نمائیم... ما در تجارت خارجی خود به بازار جهانی سوسیالستی اهمیت درجه‌یك قایل می باشیم» وی می گوید: «مبارزه علیه امپریالیزم واستعمار رهنمای عمل همهٔ کشور های برادر که‌منافع‌مشترك‌در (تعمیر سوسیالیزم) دارند می باشد».

جمهوریت توده ای کوریا خود خواهی تنگ نظرانه ناسیونالستی را درمناسبات اقتصادی ردمیکند. جمهوریت توده‌ای کوریا در سال ۱۹۶۷ قرار داد دفاعی جدیدی رابا اتحاد شوروی امضا نمود.

مراسم جشن اول می

روز همبستگی کارگران جهان

در برخی از ولایات ومراکز صنعتی کشور

در کاپیسا

شاگردان لیسه میر مسجدی بخاطر تجلیل روز جشن پر افتخار کارگران جهان وگرامی داشتن سنن مبارزات کارگری کشور و بخصوص نهضت اعتصابی پر جلال کارگران فابریك بزرگ نساجی گلبهار درسال گذشته، به ساعت هشت صبح ۱۱ ثور (اول می) درحیاط مکتب متینگی را تشکیل و درحالیکه لوحه ها وشعارهای متعددی را در دست داشتند، بسوی محله کارگران وفابریك نساجی گلبهار به‌حرکت افتیدند.

کار فرمایان زورگوی فابریك با همکاری بیدریغ مقامات مربوط حکومتی به منظور جلوگیری از اشتراك کارگران رزمندهٔ گلبهار در تظاهرات اینروز «تدابیری» رااتخاذ کرده بودند که این روش مقامات حاکمهٔ کشور در ولایت کاپیسا و دسایس قبلی که منجر به زندانی شدن (قدوس کارگر) واخراج عده ئی ازکارگران وطنپرست فابریکه گلبهار گردیده بود، ازطرف تظاهر کنندگان مورد اعتراض واقع شد.

تظاهر کنندگان درحالیکه فشردگی، نظم و انضباط را تا اخیر در صفوف مظاهره حفظ کردند با دایر کردن متینگها، ایراد بیانیه ها ی آتشین و شعار های مطروحه به تجلیل روز اول می پرداختند.

تظاهر واجتماع فرزندان رزمنده و دلیر خلق کاپیسا به ساعت دوازده ظهر با صدور قطعنامه ئی خاتمه‌یافت.

درجبل السراج

شاگردان لیسه جبل‌السراج به همراهی عده‌ئی از کارگران، روز اول می (۱۱ثور) روز همبستگی کارگران جهان را بادایر کردن متینگی تجلیل کردند.

از طرف اشتراك کنندگان درمتینگ روش محافل ارتجاعی وکارفرمایان که به زور، تهدید وحیله مانع‌اشتراك عده زیادی ازکارگران در متینگ ومظاهره گردیده اند، تقبیح‌ومحکوم گردید وشعار ها ئی‌به خاطر این‌روز پرشکوه به پشتیبانی از کارگران رزمندهٔ کشور داده شد.

در شهر هرات

شاگردان دارالمعلمین ولیسه‌های هرات، صبح روز (۱۱) ثور باروحیهٔ اتحادوهمبستگی، تظاهرات‌باشکوهی رابه خاطر تجلیل از روز اول می، روز همبستگی کارگران سراسر جهان براه انداختند. درجریان تظاهرات اخلالگران و ماجراجویان انقلابی نما دست‌به تفتین‌واخلالگری زده تلاش ورزیدند تا در صفوف مظاهره چیان رخنه ئی وارد کرده، عده ئی ازآنانرا به تجرید ازمردم بکشانند، معهذا‌این‌مظاهره درمجرای واقعی خود، در میان مردم وباپیوند با مردم برگزار گردید.

در جریان مظاهره متینگهایی دایر وبیانیه های پر شوری از طرف شاگردان و برخی از کارگران آگاه ایراد وبه پشتیبانی از کارگران وبه خاطر گرامی داشتن‌روز اول می شعار های باحرارتی داده شد.

تظاهر کنندگان نسبت به حبس خود سرانه وغیر قانونی ودسیسه آمیز سه تن از فرزندان صدیق‌هرات (عبدالعلی کارگر، غلام فاروق‌محصل وغلام سخی دهقان) اعتراض کردند.

په ننګرهار کی

زمونږ خبریال له ننګرهارنه خبر راکوی‌چه‌دمی‌لومړی‌ورځ‌په ننګرهار کی دننګرهار دپوهنتون‌دمحصلینو دمعارف شاګردانو او د جلال کوټ دښاریانو له‌خوا د افغانستان دخلك دموکراتیك دجریان په‌لار ښوونه ونمانځل شوه. مظاهره د سهار د نهو بجو په شاوخوا کی دننګرهار له پوهنتون نه ووتله اود ښار په لور روانه شوه. په مظاهره کی ژوندی دی‌وی دخلك دیموکراتیك جریان، لوړ دی‌وی دخلك دموکراتیك‌جریان پرچم !اود می د ورځی دجشن‌متعلق شعارونه ورکول کیدل.

زمونږ خبریال زیاتوی چه‌مظاهره په زیات نظم‌او دسپلین سره دورځی په‌دوولس بجو ختمه شوه.

سوگند

بتو ای رفیق همرزم بتو ای‌دلیر بی باك !
که چو شعله سر کشی تو وچو موج نرم وچالاك ،
که چو بحر پر درونی و چواشك چشم من پاك ،
که چو باده پر غروری ، زکرم‌خمیده چون تاك ،
بشرافت توسوگند !
بشهامت تو سوگند !
برهی که رفته یی تو ، که ره‌نجات خلق است ،
که اگر مرا بسوزند وتنم کنندصدچاك
زره تو بر نگردم !
زپی تو بر نگردم !
سرمن نثار این خلق ، تن من‌فدای این خاك !

از : اسکاف

توقیف تحریک آمیز سه نفر از

«کانکور زدگان»

طوریکه خوانندگان ارجمند ما اطلاع دارند، فارغ التحصیلان صنوف دوازده لیسه های مرکز و ولایات کشور که در اثر سیستم غیر عادلانه کانکور شمول‌درپوهنتون از حق تحصیلات عالی‌محروم گردیده بودند، به‌مبارزات قانونی خویش دردفاع ازین حق مسلم خود ادامه دادند، چنانکه مبارزات معقول و قانونی ایشان بر ولسی جرگه افغانستان تاثیر افگنده و آنرا واداشت که به نفع جوانان فارغ‌التحصیل لیسه ها، فیصله ایرا اتخاذ نماید، بطوریکه در اثرآن عدهٔ دیگری از فارغان مذکور میتوانستند برای ادامهٔ تحصیل فرصتی بدست آورند، ولی مقام مسؤول وزارت معارف، علی‌رغم فیصلهٔ صریح و روشن ولسی جرگه، در برابر شمول جوانان به پوهنتون از خود مقاومت و سماجت نشان داده، به اعمال غیر قانونی وخود سرانه یی دست زدودر غیاب شاغلی صدراعظم بشکل تحریك آمیز و خلاف قانون سه تن از جوانانرا به‌هنگام‌اجتماع مسالمت آمیز وقانونی آنان، بخاطر دفاع از حقوق ادامه تحصیلات‌عالیتر، باز داشت کرد.

مقام‌مسئوول وزارت معارف بااین شیوهٔ خودسرانهٔ خود در حالیکه فیصلهٔ‌صریح‌ولسی جرگه‌را بکمك به اصطلاح مقامات امنیتی (!) کشور زیرپا‌گذاشت، صریحاً خلاف‌روحیهٔ قانون اساسی افغانستان عمل کرد.

پرچم: در حالیکه حقوق مسلم صنفی‌جوانان وفارغ‌التحصیلان‌لیسه‌های مرکز وولایات کشور را تائید می نماید، بروش خشن و غیر قانونی و ضد دموکراتیك مقامات مربوط دستگاه حاکمه درین زمینه اعتراض میکند و خواستار رهائی هرچه زودتر جوانان زندانی معارف و پوهنتون است.

(بقیه ص ۳)

ترازیدی سیلابها...

تلختر به کام پر مرارت زادگان‌رنج و بدبختی این دیار فرو ریخته است. سرك عمومی شبرغان - اندخوی نیز طعمهٔ سیلابهای سهمگین ورنج‌انگیز گردیده و عبور و مرور را بر ساکنان این دیار ناممکن‌ساخته است.

اصلاسه دریای شبرغان‌ازکوهستان‌های آبخیز و فیض بخش سر پل سرچشمه می گیرد ودر پای واحد سرپل در شبرغان به سه بخش انقسام می پذیرد، در زمان آبخیزی بند خامه از جاکنده شده و آب‌دریای که اراضی گرد ونواح شهر راآبیاری می کند بدریای خواجه دوکوه سرازیر می شود، ومصیبت بزرگی برای ساکنان این منطقه که با دریا پیوند حیاتی دارند، پدیدمی آورد. هر سال این بند چند بار مورد تهاجم قدرت خرابکار سیلاب قرار می گیرد، سیلاب بند خامه راآسان به کام می کشد و یك دنیا زجر وسیه بختی‌درقبال‌می‌آورد. بامخارج هزاران افغانی بند خامهٔ دیگر ایجاد می‌گردد تاطعمهٔ‌سیل‌سهمگین وبنیاد کن دیگر شود.

این ترازیدی سالهاست که مردم را عذاب میدهد، ولی سرپنجهٔ عمال دولت فاقد قدرت گره کشائی بکار مردم شریف ماست، لهذا این بند پخته نمی شود و فریاد خلقهای شریف و زحمتکش را سوزنده تر بلند می سازد.

مسئوول این همه نا بسامانیهای موحش و بدبختی آفرین، مقامات غفلت کار و خودسر دستگاه حاکمهٔ کشور است. **انگوت از جوزجان**

اظهارات لئونید برژنف بمناسبت روز اول می

لئونید بریژنیف منشی عمومی کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست‌اتحاد شوروی طی بیانیه ئی به مناسبت جشن‌اول می درمیدان سرخ، به نمایندگی از کمیتهٔ مرکزی، هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی و حکومت شوروی چنین اظهار داشت: «درروز می ما همه، اشتراك خودرا با برادران طبقاتی خویش در دیگر کشورها، باهمهٔ آنچه که در جهان معاصر محق و مترقیست بانیروی خاص احساس می‌نمائیم». وی‌ضمن تبریك جشن می به کارگران و خلقهای زحمتکش کشور های سرمایه‌داری گفت: «ما، مردم شوروی عمیقاً معتقدیم که‌مبارزهٔ عادلانهٔ آنها بر ضد استبداد واستثمار، به خاطر آزادی و خوشبختی خلق کارگر پیروز میشود». موصوف باتمجید از خلقهائیکه بر ضد ستم ملی مبارزه می کنند اظهار داشت: «همدردی و پشتیبانی مردم شوروی همیشه با آنها خواهد بود، وطن‌پرستانیکه درویتنام برضد تجاوز‌کاران امپریالیست می جنگند، همچنان خلقهای عرب که بر ضد امپریالیزم و به خاطر حق حاکمیت شان مبارزه می کنند، اردوهای آزادیبخش انگولا و موزنبیق، مردمانیکه یوغ اسارت استعمار را به دور انداخته و راه رشدمستقل رادرپیش گرفته اند ازاین حقیقت بخوبی آگاهند». وی گفت: «اتحاد‌شوروی از مرام صلح وامنیت ملل واصول همزیستی مسالمت آمیز بین دولتهای دارای سیستم های اجتماعی مختلف حمایت خواهد کرد. ما طرفدار حل پرابلم های حل ناشده ازطریق‌مذاکره می‌باشیم، ما یقین کامل داریم که هر گاه همه نیرو های صلحدوست در مبارزه به خاطر این مقاصد دور هم جمع شوند، صلح حفظ خواهد شد...».

اعتصاب شاگردان ښوونځی

ابن سینا

شاگردان ښوونځی ابن سیناجهت تامین پاره ئی از خواستهای صنفی شان از تاریخ ۱۵ ثور به اینطرف (۲۰ ثور) در حالت اعتصاب بسر می برند.

شاگردان ښوونځی‌در وضع‌خاصی اعتصاب را چنان تحت نظم وکنترول در آورده اند، که در نوع خود ش ابتکاریست قابل تذکر.

دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر: سلیمان لایق

تیلفون: ۲۳۱۶۴

دیوی گڼی بیه ۲٫۵۰ – افغانی

مطبعه دولتی

تظاهرات محصلان ومتعلمان امریکائی بمناسبت روز اول می

نیویارك: محصلان مترقی‌ایالات متحد امریکا روز اول می رابا ابراز عکس‌العمل های شدیدبر ضد جنگ وتفوق نژادی تجلیل کردند.

محصلان تقاضای شدید خود را برای دموکراسی کردن تعلیمات عالی آنکشورابراز نمودند. میتنگهای وسیع وباشکوه، اعتصابات و تظاهرات عظیم در بسیاری ازمکاتب عالی وپوهنتونهای امریکائی‌صورت گرفت.

- بیش از یکصد وپنجاه محصل پوهنتون کلولمبیا از آغاز روز اول می به منظور شمول عدهٔ کثیری از متعلمان سیاهپوست‌وپورتو ریکائیها در پوهنتون ها به اعتصاب نشستن دست زدند. محصلان در دوعمارت پوهنتون‌برای‌مقامات مربوط‌پوهنتون که اشتراك کنندگان در تظاهرات را به محاکمه تهدیدمینمودند، مشکلاتی ایجاد کردند. آنها خاطر نشان ساختند تا وقتیکه به خواستهای‌شان جواب مثبت داده نشود، عمارتی را که‌اشغال کرده‌اند، ترك نخواهند کرد.

- مقامات مربوط پوهنتون ستانفورد کلوفرنیا بیش ازیکصد نفر پولیس را به پوهنتون فرا خواندند تا اجتماع محصلان را که تحت شعار ضد جنگ تشکیل شده بود، پراگنده سازند، ولی میتنگ همچنان ادامه یافت و محصلان به دلیل اینکه پوهنتون مذکورمصروف اجرای فرمایشهای وزارت دفاع امریکا میباشد، از رفتن به صنوف امتناع ورزیدند. محصلان تصمیم خودرا مبنی بر ادامه مبارزه بر ضد شیوع ملیتاریزم در موسسات تعلیمی امریکا اعلام داشتند.

- مبارزات طولانی محصلان پوهنتون مسیگان سر انجام به موفقیت انجامید. مقامات پوهنتون اعلام داشتند که حاضر اند به بسیاری از خواستهای محصلان پاسخ مثبت دهند و مصئونیت آنهائی را که در اعتصابات سهم گرفته بودند، تضمین نمایند.

- همچنان موج های عظیمی از تظاهرات محصلان پوهنتون های هاروارد، اندیانا و مکتب عالی شهر نیویارك و دیگر موسسات‌عالی درایالات متحده امریکا نیز به‌همین منظور براه افتید.

هلمند

باید قوانین ضد دموکراتیک ـ ضد خلقی

وضد ارزشهای دموکراتیک قانون اساسی لغو گردد!

ما بارها اعلام کرده ایم که بایدعلیه قوا نین و مقر را تی که منا قض‌آزا دیهای مصرح در قانو ن اساسی است‌و حقوق و آزادی‌های‌دموکراتیك‌افراد کشور را نقض مـی کند، در چوکات اصول مبارزه کرد . مقاما ت حا کمه‌افغا نستا ن مـی‌کوشند از یکطرف خلاف حکم مادهٔ(۱۲۸) قانون اساسی ، قوانینی را که قبل از انفاذ قانون اساسی باماهیت ارتجاعی و غیر دمو کرا تیك‌نا فذ بود ، علی ر غم تناقض‌صریح‌آن با ارزشهای دمو کراتیك قا نو ن‌اساسی همچنان پا برجا نگهدارندتا امکان داشته باشند آنجا که منافع شان ایجاب می نماید آن رادربرابر حقوق و آزادی های‌دموکراتیك‌افراد استعمال کنند واز جا نب دیگر تلاش می ورزند با ایجادقوانین‌ومقررات جدید ، حقو ق و آزا د ی‌های دمو کراتیك مردم را به شکل توطئه آمیزی تحدید نمایند .

مامی خواهیم درینجا با نشر یك‌سلسله تحلیلات حقوقی پرده ا زروی‌ما هیت قانو ن گذاری قانون ـ گذاران د ستگاه حا کمه بر دا ریم،تاموا د اساسی مبارزه در برابر قوانین‌ومقررات فر تو ت و ضد ا ر زشها ی مثبت قانون اسا سی و ضد آزا دی‌های دمو کراتیك مردم را دربیشگاه‌خلق و به‌خاطر مبارزه روز مره گذاشته باشیم .

مادهٔ (۱۲۸) قانون اساسی حکم می‌کند:«قوانینی که‌قبل از تار یخ انفاذ این قـانون اساسی صا در گردیده به شرطی نافذ شمرده می‌ـ شود که مناقض احکام این قا نون اساسی نبوده و قوانین جدید را الغا نکرده باشد » ولی هیات حا کمه افغانستان بنابر خصلت ضد دمو کراتیك و ضد خلقی و با وجود «نشخوار» مکرر «تطبیق و احـترام به قانون اساسی» درجهت مخالف آن عمل می کنند .

طرزاستفاده از احکام قـو انیـن ووضع قوانین غیر دمـو کـرا تیك به صورت عمدی و توطئه امیز ، نشانه بـارز اختناق بـا صطلاح «قانونی!» و آزادی های دمو کرا تیك است .

در جوامع مبنی بر ظلم واستبد. مانند افغانستان قوانین جز آلـهٔ تطبیق‌مقاصدمنفعت‌جویانه‌وبی‌شرمانه اقلیت‌ممتاز وحاکم‌برسرنو شت‌جامعه چیز دیگری نیست .

بنا بر اصل فوق ، اسنادومدارك فراوانی بدست است که قـوانین مناقض با قانون اساسی قـوت «قانونی!»داشته وبا کمال جسا رت و بیترسی از روز قصد وت ملی، تطبیق آنها فرمایش داده می شود. حفظ این وضع شرم آور و قرون وسطائی حرص وولع هیات حاکمه‌را اشباع نتوانسته ، برای منکو ب نـگهداشتن آزادی هـای طبیعی و مصرح در قانون اساسی خلقهای کشور ما، قوا نین بسیا ری‌متناقض با قانون اساسی تدوین ودر معرض تطبیق گذارده شده و هدف عمده از وضع چنین قوانین خصو مت‌با آزادی های مصرح در قا نو ن اساسی و دمو کراسی است .

ارتجاع سیاه‌افغانستان ازاستقرار این وضع ،از یك طرف برای سر ـ کوبی افراد، گروهها ویا جمعیت ـ هائیکه برای ایجاد یك دمو کرا سی واقعی مبارزه می کنند . بهره‌برداری می کندواز طرف د یگر به حیـث سلاح تهدید ، رعب ووحشت علیه نیروهای تحول طلب وطن پر ست وضد ارتجاع استفاده می نما یـد .

اصولنامه جزای‌مامورین و جرا ئیم سایر اشخاص علیه «امنیت‌ومنفعت عامه» که‌بعداز جوزای سـال ۱۳۴۲ یعنی یك‌سال وسه‌ماه قبل از نشر قانون اساسی جدید در عرصهٔ تطبیق گذارده شده و جمعاً محتوی بیست‌و یك مورد صرف اعدام‌برای مامورین و سایر مردم می باشد،قبل از همه مرام های شوم طبقه حا کمه را تامین می‌کند ، این اصولنامه نه تنها منا قض قا نون اساسی می ـ باشد ، بلکه احکا م‌مواد اسارت‌آور آن‌در زندگی اجتماعی ، سیاسی و اداری همه مردم ما «خا صه مـردم بیوسیله و مـامورین‌پائیـن ر تبه» دخالت مستقیم داشته و روزانه بر صدها نفر باساس آن احکام جزائی صادر میگردد ،بنابرآن ازهمه او لتر به ارزیابی‌اصولنامه‌مذکور میپردازیم.

اصولنامهٔ امنیت عامه :

اصولنامهٔ جزای جرائیم مامورین، دارای دو بخش مربوط به مامورین‌و سایر اشخاص بوده که تبعیض آشکار بین ماموروسایر افرادمملکت در تشخیص جرم و تعیین جزا ، تفکیك مواد جزائی برای ما مور ین ودیگرافراد درمقابل جرائیم مربوط‌به مصالح عامه ، محروم نمودن مامورین از داشتن مرام واهداف مشتر ك و بالاخیر تثبیت جزا های طاقت‌فرسا و ضد کرامت بشری ، ضددمو ـ کراتیك و ضد قانون اساسـی ! ز مختصات آن به شمارمی رود .

مادهٔ (۸۳) اصولنامهٔ امنیت عامه تصریح می کند :« اگر سه نفر ا ز مامورین دولت و یا زیاده از آ ن وظیفهٔ خود را ولوبه‌صورت استعفا باشد باتفاق همدگر و یابه قصدنیل یك مرام مشترك ترك کویند ... هر یك به حبس از سه ما ه تا یك سا ل یابه پرداخت جریمه از سه تا پنج هزار افغانی محکوم می گردد » .

درین جا سوالی مطرح می گردد که چرا گروه‌حاکمه ارتجاعی‌ازاتحاد، اتفاق وداشتن مرام مشترك حتی‌سه نفر مامور ترس ووحشت دارد و روی چه منظوری نصوص صریح قـانون اساسی را معلق گذاشته ،به‌تطبیق احکام اصولنامه امنیت عامه . با وجود ضـد دمو کـراتیك بودنش، عمل می کند ؟

جواب ساده و رو شن است ! دستگاه روبه زوال حاکمه برا ی حفظ منافع تنگ نظرانه خود نه تنها از فقر کشنده اقتصادی اکثریت مامورین بهره‌برده است،بلکه درعین حال چرخ فاسد اداری را نیز به قیمت سلب حقوق طبیعی و قانونی آنها اداره نموده و ماموریت دستگاه رابه‌بردگی فکری‌تنزل داده است . آزادی تشکل ، اتحاد ، داشتن مرام مشترك که مطابق به احکام مـا دهٔ (۳۱)و (۳۲) فصل « حقوق ووظایف اساسی مردم» در قانون اساسی ، حق مسلم اتباع افغانستان شنا خته شده ومـامورین نیز جزء اتـباع افغانستان اند ، در قانون امنیت‌عامه جرم تلقی گردیده و درمواقع‌وحالات خاص ، تطبیق حکم مـادهٔ (۸۳) اصولنامه امنیت عامه را دستو ر میدهند .

البته برای جبران این حق تلفی نا بخشودنی بزعم خودشان موادی هم در اصولنامه امنیت عامه درنظر گرفته شده که مطابق با مادهٔ(۱۴۱)، (۱۴۲) و(۱۴۳)، اصولنامهٔ مذ کور کسی حق ندارد مامور دولت را در حین اجرای وظیفه توهین نماید ـ مقابل اوامر قانونی مامور مقاومت کند و یا مو جب ضیاع «انرژی» ! مامور شود .

همه میدانند که‌این امتیاز در انحصارمامورین ستمگر و عا لی‌ـ رتبه و مامورین پاسبان منا فع آزمندانه طبقه حاکمه قرار دارد . سیستم حقوقی فرسودهٔ ما عا جز تر از آن است که برای ما مورین پایان رتبه و شـریف «حیثیت» و «انرژی» تدارك نماید . دستگا هیکه می لا فدکه‌جلوتوهین مامورین را گرفته ویا تظاهر می‌کند که گویا به انرژی ماموران علاقمند است، بایدبدا ند که«اشك تمساح» به حال مامور ریخته و خود عا مل عمدهٔ ضیاع انرژی آن ها به شما ر می رود و روزانه صد ها تو هین آشکار به مامورین پائین رتبه روا میدارد .

اصولنامه امنیت عامه برای قشر مسلط به سرنوشت مردم‌امکانات وسیعی داده و خائنین بیت المـال و دارائی هی عامه مربوط با ین قشر را ،مجال هرچه بیشترخیانت داده است . مثلا ماده (۸۰) اصولنامه امنیت عامه تصریح می‌نما ید :«هر مامور دولت که از اموال منقولی یا غیر منقولی دولت بـرای منـفعت شخصی خود مخالف‌قانون‌استفاد ه نماید به جبران خسـاره وارده‌بدولت و به جزای یك سال تعطیل معاش مت محکوم می گردد ، اما ، مادهٔ(۱۱۳) اصو لنامه مذکور حکم می کند:«هر مامور دولت و هر شخصیکه امـوال نقد یا جنس دو لتی در نزد او به صیغه امانت ، تحویل ...واو اموال مذکور را اختلاس نماید به رد مال اختلاس شده و به پرداخت جریمه معادل قیمت آن و به حبس از سه تا هفت سال با اعمال شاقه یا بدو ن اعمال شاقه محکوم می گردد» .

متن هردو ماده بیا نگر عمل جرمی واحد و آنهم دستبرد به دارائی های عامه است ، پس چرا دریك‌ماده‌آنقدر جزای سنگین ودرمادهٔ دیگر این‌قدر گذشت و حاتم بخشی‌صورت‌گرفته؟؟ برای اینکه هیأت حا کمه به آ ن عدهٔ مامورینی که‌شریك زدو بند ـ های شان اندویا در جریان‌تعقیب‌و محاکمه بتوانند «شرف» اشتراك را حاصل نمایند راه گریز «قانونی!!» داشته باشد و آن ها ئیکه بخواهند به تنهائی دارائی عامه را هضم‌نمایند ویا بعضا برسر بالائیها کلابگذارند قانون را عملی کنند .

حکم مادهٔ (۱۱۳)اصولنامه امنیت عامه واضحاً هوشیار با شیست‌برای خائنین زرنگ و نردست ، بر ک ساتریست بـرای پوشانـدن خود ـ سریها و زدوبندها ـ شلاقیست کوبنده برای خائنین کند ذهن، ناشی وآنهائیکه می خواهند عاید خیا نت تنها به جیب خودشان بر یزد، واما حکم ما ده (۸۰) اصو لنا مـه امنیت‌عامه،حکم‌قـانون اسـت برا ی مختلسین و خائنین واقعی ،سابقه‌ـ دار و قانع به سهم خود از عا یـد خیانت .

«بحث ادامه دارد»

از (ص اول)

برنامه‌های نمایشی هرگز نمیتواند...

سیاسی و اجتماعی اکثریت محرو م وتحت استثمار کشور عقب ما ندهٔ مانرا گرفته باشند وبتوانند چند صباح دیگر به غارتگریهای خویش ادامه دهند. ورنه سهل است‌ومیتوان با ایجاد قوانین‌و مقررات دمو کراتیك وملی وطرح برنامه های متر قی‌علمی وبا اعتناء به آزادی تدریس واحترام به پرستیژوحیثیت‌معلمان و استا دان شریف‌وفداکار،وطنپرست وترقیخواه کشور، تهیه وسایل انکشاف ذهنی ومعلو مات عالیتر علمی برای آنان وهمچنان پر داختن به تا مین حیات مرفه، آبرومند و در خورشان ایشان وبالاخره بالحمایت راستیـن وعملی ازین گروه ارجمند و موثر درتسریع تکامل سویه علمی وفر هنگی جامعه، خد متی سزاواربه‌احیا وایجادفرهنگ ملی و مترقی در مملکت انجام داد.

معهذا، عاملان دستگاه حاکمه‌بجای اینکه باین امور حیاتی بیندیشندو در جهت تا مین حقـوق وآزادیهای دمو کراتیك معلمان واستا دان‌شریف ووطندوست کشور گامی مثبت‌وعملی بردارند، پردهٔ استتاری‌از سروصداـ های تبلیغاتی وبر گزاری مرا سمی به‌عنوان به اصطلاح «روز معلم» که این روز ها هنگامهٔ‌آن‌در محافل«علمی وفرهنگی» کشور‌ماگرم‌است، برروی ماهیت ارتجاعی‌وضدفرهنگملی‌ومترقی خویش میکشندوتصور میکنند صرف باترتیب بر نامه های‌نمایشی ومحافل ساز‌وسرود میتوان به حال استا دان ومعلمان ناتوان کشور پـر داخت و گرهی از مشکلات‌بیشمار آنان‌کشود.

معلمان فدا‌کار، استادان شر یف ووطنپرست ! این دوای درد های روانکاه شما نیست. باید به خاطر تا مین حقوق صنفی معلمان و ایجاد اتحادیه ها، کلبها و انجمنهای‌دمو کراتیك، بخاطر آزادی تدریس دانش مترقی، بخاطر احیا وانکشاف فرهنگ ملی وطر د استعمار پلید فر هنگی کشور های امپریالیسی‌و،بالاخره‌بخاطرایجادزمینه های‌مساعد برای‌رشدشعور طبقا تی، سیاسی واجتماعی معلمان واستا دان شاگردان و محصلان زحمتکش و ستمدیدهٔ کشورمتشکل‌شد ومتناسب به شرایط مبارزه کرد ودر جنبش آزادی بخش ملی و اجتماعی کشور فعالانه شرکت جست.

نامه هائی از خارج :

زنده وجاوید باد مردم زحمتکش

افغانستان!

پیو سته‌موجی ازنامه های لبریز ازاحساسات‌وطنپرستانه‌وترقیخواهانه ازدو ستان پر چم خلق ، ازخا رج و دا خل کشور به عنوان دفتر جریده واعضای فر کسیون پا رلمانی جریان دمو کراتیك خلق افغا نستا ن‌میرسد که‌هریك از آنها به نحوی از انحا بگوشه‌ئی از نشرات‌پر چم خلـق (ناشر اندیشه های‌دموکراتیك خلق افغا نستا ن)ومبا رزات‌پا رلمانی وخارج پا رلمانی ما علا قه و تماس گرفته ، آنرا تا ئید وازجـریـا ن پیش‌آهنگ طبقه کار گرکشورحمایت وپشتیبانی‌خودرا ابراز میدا رند .

ما بر آنیم که‌وصول این نامه‌هااز طرف دو ستا ن ا رجمند خلق، نشانهٔ درك سا لم وعلایق خلل نا پذیرآنها، به‌نهضت رها ئی‌بخش ملی‌واجتماعی، به‌نحوه نشرا ت واصول مبارزا ت ماوا یمان به حقا نیت مبا رزه درجهت تا مین منا فع خلق‌ستمدیده‌افغانستان ودرك ضرو رت قرا ر گر فتن دریك سنگرو جبهه ایست که‌ما با رهالزوم آنرا برای به پیرو زی‌رسانیدن‌جنبش رها ئی‌بخش ملی‌وا جتماعی خلقهای محروم کشور تا کید کرده ایـم ، بنابرآن نشر کا مل ویا قسمتـی از آنرا در صفحات پر چم ، به‌عنوان انعکاس مثبت مبا رزا ت(جر یا ن پیشتازدمو کرا تیك‌خلق‌افغانستان) واحساسات، افکار واندیشه ها ی سالم دوستداران خلق‌کشوربجا می پندا ریم .

بهمین سلسله درینجا بصور ت نمو نه منحیث المجمو ع‌به نشر قسمتهائی از دو نا مه رسیده‌ازخارج کشور می پردا زیم که‌به نما یند گی از محصلان ا فغا نی درها مبورگ، به‌عنوان جریده پر چم‌و فر کسیو ن پا رلمانی جریا ن دمو کرا تیك‌خلق افغا نستان رسیده است .

* * *

بعنوان فرکسیون پارلمانی‌جریان دمو کرا تیك خلق ا فغا نستان !

«چندی قبل یکی از بیانیه های شما بدسترس اتحادیه رسید و در یکی از جلسات اتحادیه مورد بحث قرار گرفت که باعث افتخارودلگرمی وتقویه بیشتر اعضای اتحادیه دررا ه بهبودی وازبین بردن هرنوع‌ارتجاع وقوای ضد دیموکراسی زحمتکشان وروی کار آوردن‌سیستم‌عالی اجتماعی بشری به اسا س قوا نین دمو کراسی برای سعادت اولادوطن گردید .

مفتخریم از اینکه جوانان ملی و حساس مملکت ، نمایند گان‌حقیقی وبردرد ملت خود را از نزدیك به دردهای ملی‌واجتماعی ایشان‌آشنا نموده ،وریشهٔ اصلی آنرا بطورعلمی تحلیل وتجزیه کرده ، برای ازبین بردن آن با عشق سر شار و عزم آهنین علمی وعملی اقدام نموده اند. ما همه نظریات شما را ا حترام‌نموده راه نجات‌ملت را در غیر سر ما یه داری وغیر فئودالی مینگریم . برای حاصل نمودن این هدف لازم‌میدانیم تا از همه اولتر بکمك‌همدیگربکوشیم که اتحاد و اتفاق‌رابین توده‌های‌مردم پهن نمائیم ... جوانان حساس و منور مملکت ، رهبران ملی وهمدرد درد مندان محروم به اهمیت این نقطه متوجه گردیده ، همه بایك‌عزم متین‌واراده‌آهنین درراه عملی نمودن آن علماً وعملاً قیام نموده وروزبروز بر تعداد خویش می افزایند ...

. . . امید واریم‌که بقوت همدیگر روزی به هدف واقعی نایل گردیده ملت محروم وعقب افتاده افغان را از بد بختیها وبیچارگیهای‌اجتماعی، ذلت وخواری، محرومیتها ی مادی ومعنوی، طبقه بندی‌مذهبی ونژادی (به نفع سرمایه داران بزرگ و...) کمپلکس های اجتماعی آقایی وغلامی نجات داده وکلید راه ترقی وسعادت ملت افغان را بدست توده های زحمتکش بسپاریم تاسرنوشت خود را خود تعیین نموده ، همه جا بدون استثنا در منافع ملی واجتماعی خویش مساویانه حصه گیرند.

... امید واریم تماس نزدیك و عمیق اتحادیه با شما وهمه خواهران وبرادران وهمکاران محترم‌که عین نظریات ملی ، اجتماعی وانسانی را در راه سعادت ملت ووطن تعقیب می نمایند ، باعث تقویهٔ بیشتر در راه بیشبرد اهداف ملی واجتما عی وانسانی برای سعادت مردم ووطن گردد.

. . . در اخیر عمیق ترین احساسات اعضای اتحادیه را خدمت شما وجمیع خواهران وبرادرا ن حساس وملی ، فدائیان راه حق ، مجا هدین ضد ارتجاع‌وهر نوع‌قوای امپریالستی وضد دموکراسی تقدیم نموده ، مو فقیت مزید ایشانرا که مؤفقیت ملت است خواسته و ـ خواهانیم.

«زنده وجاوید باد مردم زحمتکش افغانستا ن»

* * *

بعنوان جریده پرچم ـ ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

«چندی قبل چند شماره از اخبار شما به مارسید. آشنائی ومطالعهٔ مضا مین آن دلگرمی بیشتری در راه سعادت و بهبودی ملت ووطن بما عرضه نمود . بدین وسیله عمیقترین تبریکات خویش را بتمام جوا نا ن ونمایند گان حقیقی مردم افغان در راه آزادی بیان ومفکوره تقد یـم میداریم .

. . . اتحادیهٔ ما با جمیع قوای خویش‌کوشابوده ومیباشد تا با همه محصلین ومحصلات‌افغانی‌چه‌درداخل وچه در خارج وهمچنا ن نیرو ها یی که در راه بـهبودی مـردم وو طـن مصروف آماده نمودن وبیدا نمود ن راه های انکشاف می باشند ،تماس نزدیك وعمیق حا صل نماید .امیدـ واریم قایم نمودن ارتباط نزدیـك وعمیق اتحادیهٔ مابا شما وجمیع همکاران محترم شما باعث آبا دی یك خشت مستحکم دیگری درتعمیر دموکراتیك خلق افغا نستان‌باشد .

. . . در اخیر احترامـا ت و ـ احساسات عمیق اعضای اتحادیه را برای جمیع برادران ودوستان‌گرامی، آنانیکه قلوب حساس خویش را از درد دردمندان آگنده اند وبا جمیع قوای خویش در راه از بین بردن‌آن مجادلـه مـی نمایند رسانیـده ، موفقیتهای مزید ایشانرا خواسته وخوا ها نیم .

زنده وجاوید باد جوانان پر درد وفدائیان راه خوشبختی مردم .»

دزرمل دولسوالی خلک

خپل حقوق غواړی

مور دشور کچی ، محمدافضل ،عالیخیل ،نظر خان ، مریکټ ،شراب الدین ، کرشو او میرجان ـ خیل کلی خلک چه تقریباً دوه سوه‌کورنیوته رسیږو او زمو نږ ځمکی‌او کورونو دسردی دبند د کا سی تر اوبو لانـدی شوی ، دحا کـمی‌دستگاه پر غیر عادلانه او غیرقانونی‌اعمالو په کلکه اعتراض کوو.

اته کاله دمخه چه دسردی دبنددپروژی‌کار شروع‌کیده ،مونږ پد ی‌خوشحال وو چه ددی بند دسر ته رسیدلو په نتیجه کښی به څه آبادشوو ، مگرله بده مرغه دحکومتی‌کارکوونکو طرز العمل دهغو خلکو په مقابل کښی چه خپلی ځمکی او کورونه یی د بند په کاسه کی لـه‌لاسه ور کړل ، موږ نا امیدکړو.

کله چه لومړی حکومتی هیأ ت زمو نږ دکورونو او ځمکو دبر اوړود قیمت اېښودلوله باره ز مو نـږ سیمی ته راغی نو دطمعی اوزشو ت جیبونه یی خلاص کړل او تر هر څه دمخه یی تقریباً دهریوه اوسیدونکی دوه حصی ځمکی مخروبـه او یوه حصه یی دځبنتن به نوم ثبت کړ ل او دخوار ولس د زاریو په مقا بل کښی یی‌به داگه وویل چه یوا ځی د رو پی یعنی رشوه به بدل کی به مور خپله نظریه بد له کړو . خلکو وویل چه بابا دا مانیه ده ځمکه ده نا سوولی خرابه ولیکلی؟ خوددوی دآواز دا‌وریدلو غو ږونه کا ڼه وو.

وروسته یو بل هیأت دکورونو د برآورد دپاره له مرکز نه راغـی او دغه هیأت هم دتیر هیأت په شا ن‌به غیر عا دلانه ډول په کار پیل وکړ اوکوم کور او حویلی به چه لس کوټی درلودی هـغه به یی پـنځه شمیرلی او دخلکو داعـتراض او استغاثی به مقابل کی به یی به داگه ویل چه دززو افغانیو دور کولو په عوض کی بـه دلس زره افغانیو بر آورد کړی . پدی صورت غریبو او نادار‌ه خلکو په سلو کی پنځه‌اویا خپل حقوق له لاسه ورکړی .

وروسته دسردی د بند آمریت خلکوته دنقل‌مکان امر ورکړ اودا امر دڅمی په لومړیو شپو کی په مظلو م ولس باندی لکه تـندر نازل شو ، هماغه وچه دبند او به دآمریت په امر جاری شوی او په نتیجه‌کښی یی ددوو کلیو فصلونه‌تر اوبو لانـد ی کړل چه تقریباً دوو لکو روپو تاوان یی‌خلکوته واړوه.دکلیواوسیدونکو‌به ویراخته شول او دبند له آمر یت څخه یی خیمی یو ړی او په دښتو کی میشته شول .

دمظلومو خلکو نمایند گا ن‌کابل ته راغلل خو دلو یو بنگلو او لو یو مقا ماتو خا وندانو دوی تـه لاره ور نکړه ، یواځی ولسی جرگه‌دخلکو تر عریضی لاندی دومره ولیکل : « ترڅو چه دولس دسر پنا هی‌لپاره کورونه او دزراعت لپاره ځمکـی ور نکړی شی دسردی دبند آمریت حق نلری چه دوی په نقل مکا ن مجبور کړی » په نتیجه کی دمربوطه وزارت له خوا خلکوته ډاډ او وعدی ور کړی شوی چه ستا سو دځمکی اوکورونو دعادلانه بر آورد نه پاره‌به عادلانه اجرآات وشي هماغه و چه نوی هیأت زمونږ منطقی تـه را ورسید ، مگر دغه هیأت هم دپخوانی هیأت په شان و ، یواځی یو شی په اضافه شو هغه داچه دسردی دبند آمریت له خلکو سره په‌عناد او ضد یت پیل وکړ او امر یی وکړچه باید ټول کلی دی ژر تر ژره تخلیه شي او دا امر په ځمی‌کی دخلکودقتل عام حکم درلود . خلکو دحکو متی هیأت په ځواب کی وویل چه دځمی په سړویخنوکی ځانونه ، مالونه او دژوند لوازم نشو خوندی کو لای او دولسی جرگی په فیصلی چه‌دسردی بند دآمریت ته دوزارت زراعت په سلسله رسیدلی‌ده ، استناد کوو . خو دغه «سند» هم ونشوای کو لای چه دخلکو دپاره آسانتیا وی‌برابری کړی. له همدی کبله مو دپر چم اداری ته مو خپل آواز ور رساوه او غواړو چه ددی خلکی او ملی جریدی په وسیله خپل له دردو نـو نه ډك غـږ خلکوته ورسوو او د حکومت بردی ظالمو او رشوتخورو کار کوونکو باندی خپل له‌کرکی‌ډك اعتراض و کړو .

نمونه‌ئی از انکشاف سلیم(!)

معارف در ولایت کندز

ازآنجاکه جریده پرچم‌انعکاس دهندهٔ آرمانها ی والای خلق است ، آرزوداریم این تذکر ما را در یکی از صفحات خویش بنشر بسپارد .

دستگاه‌تبلیغاتی محافل‌حاکمه‌پیوسته‌پیرامون معارف متوازن (!) حرافی‌میکنند و میکو شند تا خود را هواـ خواه صدیق تعمیم معارف‌در کشو رنشان دهند وبزعم خویش بر رو ی‌خصلت طبقاتی وملاکی آن پرده بیندازند وچهرهٔ‌نا مطلوب آنرابازرق‌وبرق تبلیغاتی بیارایند ، غافل ازاینکه صد ها مثال زنده و گویا در رد این ادعای میان تهی‌وعوامفریبانه‌آنها به صورت عینی وجود دارد .

ازجمله وضع رفتبار شاگردا ن معارف ولایت کندز قابل توجه‌است: دربنجا، دردارالمعلمین این‌ولایت صرف نظر از ذکر ماهیت فرهنگ‌پوسیده ملاکی ، یك تعداد قابل ملا حظه از جوانان حساس وبا درد طبقات زحمتکش در سرا ئی گـرد آورده شده‌اند ، از چپرکت، بستر ، داکتر ودوا ، کتابخانه و مـواد تـدریسی اثری نیست و درد آور تر از همه اینکه شاگردان در اتاقهای نمنا ك وغیر صحی تدریس (!) می شوند و شبانگاهان در لای یك کمپل، در هر گونه شرایط ناگوار جوی برروی خاك می خوابند .

با وجود احساس نیاز مندی شدید لیسه های دارالمعلمین ، شیرخان، تخار ستان وبلقیس ولایت کندز به معلمان دارای تحصیلات عالی و با تجربه ووارد به اصو ل سیستم عصری‌آموزش‌وپرورش‌حتی ازتدریس لیسانسه ها در لیسه ها جلو گیری میشود ، زیرا این امر به منا فـع متنفذین محلی‌وسرمایه داران‌معلوم ـ الحال این ولایت انطباق نـدارد ، آنها ازانکشاف ذهنی و رشد شعور سیاسی فرزندان خلقها ی ز حمتکش می هراسند وبا انـواع وسایـل میکوشند از ورود معلمان ورزیده و لیسانسه هائی‌که میخواهند ازطریق تشبثات خلاق آمـوزشی با ایجاد کنفرانسها ونمایش درامه ها وغیره متعلمان را بزوایای تاریك حـیات اجتماعی آشنا سازند وراه مبا رزه علیه نا همواریهای نـظام فرسوده اجتماعی رابروی ایشان بگشا یند، جلو گیری نمایند .

تازه‌باینقدرهم اکتفا نمیشود ، بلکه به‌صورت ماهرانه میکوشند بوسیله باندها وداو دسته ها ئیکه از ناز پروردگان طبقات‌ممتازواستثمارگردر میان‌لیسه ها،مخصوصاًلیسه‌شیرخان بوجود آورده ومیاورند ،به مخا لفت علیه افکار مترقی‌ووطنپر ستا نه‌بر‌ـ خیزند ، دست به اعمال تخریب‌آمیز بزنند و بدینطرز همه تخم نفاق و تفرقه را با ستفاده از وسایـل و تبلیغات ظریفانه و گوناگون بیـن جوانان و فرزندان با درد و حساس طبقات زحمتکش بپاشند و هرگـز باین نمی اندیشند که‌بار مسوولیت عواقب وخیم اینگونه اخلال گریها و نفاق افگنیها ، بالاخره کمر عوا مل ضد ملی وضد دموکراتیك‌و دشمنان وحدت وهمبستگی و رشد سیاسی واجتماعی خلقهای ستمدیده‌کشور را بطور وحشتناکی خواهد شکست .

اینبود شمه ئی‌از آنچه بنام‌تعمیم معارف (!) در کشور ما صورت مـی گیرد . گرچه ما عمیقاً عقیده داریم تا تغییر اساسی به نفع خلق‌وبدست خلق در جامعه‌ما نیاید ، تنهافرهنگ ودانش آنهم‌باماهیت ووسایل‌موجود نمیتواند کاری را از پـیش بـرد ، معهذا باید برای افشای‌چهرهٔ‌حقیقی معارف پروریهای(!) دستگاه حاکمه، برین حقایق تلخ روشنی اندا خته شود .

ع ۰ غ ۰ پرواز از کندز

دردها، شکایتها واعتراضات خلق

هنر پیشگان ، ماموران فني ومستخدمان ریاست کلتور اعتراض میکنند

گرو پی از هنر پیشگان آرزو مند، عده ئی ازماموران فنی و گروهی از مستخدمان مر بوط «ریا ست کلتور» به د فتر جریدهٔ پرچم مرا جعه وا عتراض نامه ئی سپردند مبنی بر اینکه :

ایشان و رفقای همر دیف آ نا ن مد تیست به اصطلاح «اضافه‌بست» گردیده واکنو ن سر گردان و بی‌سر نو شت باین در و آندر میدوند.

تاسف آور است!بجای آنکه‌واقعاً زمینهٔ رشد استعدادِ های جوان‌وخلاق فرزندان مستعداین سر زمین وتکامل فرهنگ‌ملی در کشور تهیه دیده شود و لا اقل در حال حا ضر وسایل احیاء وانکشاف ومعرفی هنر و فر هنگ ملی‌و خلقی افغانستا ن مهیا گردد، یك عده از هنر پیشگان‌جوان، با سا بقه و پرا ستعداد و طن که سا لها ست به اتکای ذوق، استعداد وپشت کار شخصی خویش، با ابراز فدا کا رُ ی وایثا ر و متاع گرا نبها ی هنروا ستعداد خود را در بازار کساد وبی رو نق هنر نا شنا سان کشور عرضه کرده اند ودر برا بر آن به‌نقد نا چیزی در امرار معاش قنا عت ورزیده اند، بسر نو شت تا ریك و مجهولی موا جه می گردند.

تعجب آور تر اینکه : کور سهائی بنام«آرت ـ درامِا تیك»، باطمطرا ق و سرو صدا ی تبلیغاتی عجیبـی در «ریا ست کلتور» افتتاح می گردد وعده ئی از جوا نان با مید آینده نی درخشان(!)، از تحصیل دررشته‌های دیگر علمی وهنری صر ف نظر می نما یند، تا روزی از طریق تیاتر وتمثیل بتوا نند مصد ر خد متی بو طن محبوب خود شو ند ،و لی علی‌ر غم و عده‌های رنگین «ریا ست کلتور»، و آرزو ها ی شیرین هنر دو ستا ن، با لاخره این کورس‌آرت‌ـ درامِا تیك (!) بدون اکمال دو ر ه تـد ریسی، تکمیل شده اعـلام می گردد و شا گردان وهنر جویان جوا نیکه ازهمه چیز بریده وبه هنر رو آورده بودند، باید بصف هنر ـ پیشگان آوا ره به‌پیوند ند وهمچنان ماموران فنی‌و کار گران ماهریکه‌درین صحنه دیگر نقشی ند ا رندو باصطلاح «اضا فه بست» شده اند .

هنر پیشگان آرزومندوبا استعداد، ماموران فنی‌وکارگران ما هر «ریاست کلتور»، نسبت‌با ین سر نو شت مجهول و آوا ر گی بید لیل‌وهمچنان عدم اعتنای مقا مات مسئول‌بهنر، حیات و آینده ٔ خویش شدیداًاعتراض می نما یند و جدا تقا ضا دا رند تا بمو جب ماده (۳۷) قانو ن اسا سی افغانستان که : «کار حق فریضه هرا فغا نیست که قد رت ا جرای آنرا داشته باشد ...»به ایشان کارداده شود .

اعتراض اهالی معارف دوست

زرغون شهر ولایت لوگر بر مقامات معارف کشور

اگر این مکتب است واین تدریس
حال طفلان خراب می بینم

زرغون شهر یکی از مراکز پرنفوس ولایت لوگر است . درین منطقه وسیع متاسفانه تنها یـك‌بنوونځی ابتدائی وجود دارد که به هیچوجه نمیتواند جوابگوی عطش‌بی‌پایان مردم معارف دوست این‌گوشه کشور باشد وبنابر وجود سیستم‌ناقص تدریسی ، فقدان مواد مترقی علمی وکمبود معلمان ورزیده قا درنیست فرزندان این منطقه را بـه درستی‌رهنمائی کند، مهمتر از همه‌هر ساله یکعده از فارغان صنوف ششم آن درنیمه راه تحصیل ، بی‌سرنو شت‌می‌مانند ، باین معنی که تنها چند تـن‌ار فرزندان مربوط به طبقات ممتا ز زرغون شهر با اعمال نفوذواستفاده از پیوند های طبقاتی و منافع‌مشترك با بیروکراتان فاسد دستگاه حاکمه، بسهولت میتوانندراه خود رابه‌سوی بنوونځیهای متوسطهٔ ولایت و مرکز کابل ویا لیلیه های پایتخت با ز نمایند واز شانس ادامه تحصیلا ت عالی تر بر خوردار گردند، ولـی متباقی پسران طبقات محروم وبی زر وزور وواسطه بی سر نوشت می مانند و اگر احیاناً عده انگشت شماری هم‌سعادت‌شمول‌در بنوونځی متوسطه محمدآغه‌رانصیب می‌شوند، بنابر دوری راه وفقدان وسایل منظم حمل ونقل وعدم استطاعت ماد ی نمیتوانند به تحصیل ادامه بدهند، لاجرم غیر حاضر می شوند ، ناکام می مانند وبالاخره بدستور مقامات معارف از بنوونځی اخراج می گردند وبصف بیکاران و محرومان مـی ـ پیوندند.

گردانند گان معارف کشور علی‌رغم آنکه این حقیقت مشهود ونیازواقعی مردم را بـخوبـی درك و احساس میکنند ، بنابر ماهیت‌معارف‌طبقاتی وفرهنگ مسلط ملاکی نمیتوانند ویا نمیخواهند لااقل با ارتقای بنوونځی ابتدائی زرغون شهر به یك بنوونځی متوسطه زمینهٔ تحصیلات بالاتر رابه فرزندان مستعد طبقات محروم این منطقه پرنفوس ولایت لو گر مساعد سازند .

بنابرآن‌مردم معارف پرور زرغون‌ـ شهر علیه این بی اعتنائی مقاما ت حاکمه نسبت به سر نوشت جگر ـ گوشه های خویش، جدا اعتراض میکنند و ارتقای بنوونځی ابتدا ئی زرغون شهر رابه بنوونځی متـوسطه مطالبه مینمایند .

حبیب زرغون شهری

سیلاب حیات اهالی شهر خان آباد را

بنابودی تهدید میکند

سیلبری که همه ساله در موسم‌بارانی سال حیات اهالی ز حمتکش شهر خان آباد را مورد تهدید قرارمید هد، بر بالای شهر حاکم است. عمال حکومت تاکنون چندین بار بنام‌اینکه سدی در محل سیلبر برا ی جلوگیری از خطرات سیل تعمیر‌میکنند، از مردم ناتوان خان آباد به ملیونها افغانی‌پول جمع کـرده اند،معهذا هرباریکه سیل عصیان کرده، بقیمت حیات‌وضررهای جبران ناپذیرمالی برای مردم‌شهرتمام شده است. چنانکه سیلی بتاریخ ۳۰حمل ۱۳۴۸ازین مجرا سرازیر شد ودرقدم اول پنج‌دکان را در مندوی خان‌آبادمنهدم ساخت، این حادثه بجای‌اینکه مسؤولان امور را انتباهی دهد تابفکرچارهٔ اساسی شوند، باز هم بشیوهٔ همیشگی‌در اندیشه پر کردن‌جیبهای‌خود شدند وباصدور امر مسدود ساختن دکانهای اهالی،مردم رامجبور کردند باز هم‌پول بپردازند ومطمئن (!) باشند .

مگر باکمال تأسف بروز ٤ ثور ۱۳۴۸ بار دیگر سیلبر به‌عصیانگری پر داخت ودرنیمه شب چندین‌خانه‌را از پای در آورد، زمینهای زراعتی را ویران کردودرحدود مقدار سی‌خروار شالی را که‌عده‌ئی از زحمتکشان‌بینوا بغرض پاك کردن به اجازه گـر فته بودند، از بین بـرد و همه اهالی شهررا بوحشت وهراس مرگباری اندر ساخت .

شش روز ازین حادثـه گـذشت تاوالی ولایت کندز به شهر خان آباد رسید. اهالی شهر دریك اجتما ع تقریباً یکهزار نفری «بحضور والی بار یافتند»،تاحساب آنهمه پولهائی‌را که‌در گذشته‌بغرض‌اعمار سدی‌اساسی برای‌جلوگیری ازسیلاب‌پرداخته‌اند ، بگیر ند ویا لااقل دربارهٔ نجات آیندهٔ خویش ازین بلای بی امان با او داخل مذاکره شوند، ولی جناب والی‌بدون اینکه به مردم‌مجال مشوره واظهار نظر د هدویاباابرازهمدردی وهمکاری با ایشان بـدلداری وتسلی آنـان بپردازد ، اهالی در د رسیده رابـه «بغاوت» محکوم ساخته ومردم رابه حبس وزندان تهدید کرد.

اینست نمونه‌ئی از حسن روابط و همدردی دستگاه اداری ولایت کندز بامردم ستمدیده وز حمتکش شهر خان آباد .

اهالی نسبت‌باین‌وضع‌غیر عادلانه وبی اعتنائی عمال دستگـاه حاکمـه بامور حیاتی خویش اعتراض میکنند وجداً میخواهندتاحکومت‌هرچه زودتر در مورد جلو گیری ازعواقب‌خطرناك سیلبر حاکم بر شهرخان‌آباد،باقدام عملی بپردازد.

ن.پ از خان آباد

اهالی وطنپرست اندخوی

اعتراض میکنند

جریده ملی پرچم خلق درشماره (۴۷) ۱۳۴۷خویش حقایقی رادرباره موانع ضد قانونی در بر ابر نشر ادبیات ازبکی وترکمنی افغا نستان انتشار داد.

ما مردم و طنپر ست اند خو ی درحالیکه‌خدمات ارجمندجریده‌پرچم‌ـ خلق را در راه احیای زبانهای‌ازبکی وترکمنی کشور ومبارزات آنرا در برابر موانع غیر قانو نی د ستگاه حاکمه موردتقدیروتائیدقرارمیدهیم‌ـ در مقابل این عمل ضد دموکراتیك مقامات مربوطاعتراض شدید خودرا اعلام میداریم ، چه در قانون‌اساسی کوچکترین مانعی درین زمینه وجود ندار د . اگر چنین نیست چرا در برابر نشر وبراد کاست زبانهای انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، اردو وغیره که بکلی‌برای کشور مابیگانه است ، این موا د قانو نی تطبیق نمیگردد؟ باید مقام مربو ط هر چه زودتر اینموضوع را توضیح کند.

برخی ازمردم وطنپرست کشورما درچوکات افغانستان‌واحد بزبانهای از بکی وتر کمنی صحبت میکنند و نمیتوانند از نشرات وبرادکاستی که‌بز بانهای پښتوودری‌صورت‌می گیرد بطور لازم‌استفاده کنند ومطالب‌آنرا هضم نمایند. بنا برآن بدانگونه‌که از استفاده درست ازمعارف کشور محرومند ، از نشرات ومطبوعات‌نیز بی‌بهره اند.

امیدواریم جریدهٔ پرچم خلق، در ضمن مبارزات خود، همچنان‌مجدانه وبدون هراس‌به‌پیکارخود دربن‌زمینه نیزادامه دهدواین اعتراض مارا بـه «مقام ذیصلاح» افغانستان اعلام بدارد.

باید خاطرنشان ساخت که‌مردم دشمنان طبقاتی خودرا میشناسندو هیچ بیمی‌دربرابر اینگونه‌خودسریها وحرکات اختناق آور ندارند.

(امضاء ومهریکصد وچهل وهفت نفر از اهالی اند خوی)

ترازیدی سیلابهای اخیر درشبرغان

انبوه بزرگی از مردمان زحمتکش ایندیار بی خانمان گردیده‌اند

سیلابهای هـول انگیز و خـانمان برانداز از شانزده روز باینسو (تا ۹ ثور) منازل واراضی تحت زر ع قراء شبرغان را به خطر و تبا هی تهدید می‌نماید . طوریکه دهـقانان میگویند در حدود (۱۶۰) خا نهٔ مردم زحمت کش قراء خواجه‌دوکوه سا لتق ، چوب باش و اسلا م از هم فرو ریخته و در حـدود ۱۶ بیکال زمین زرع شده ، طعمهٔ سیلا ب گردیده است .

شانزده روز تمام در جویبارهای شبرغان آب به جریان نیامده‌وانبار های آب حوضها نیز ته کشیده ، آسیابها از گردش بازمانده‌وشرنگ (ص ٤)

از (ص اول)

مسؤولیت عواقب ...

اگر اسرائیل‌به این ما جرا جوئیها خا تمه ندهد و فیصله نامهٔ ۲۲ نو مبر ۱۹۶۷ را نپذیرد ، و قوع جنگ‌دیگر که‌همین اکنون هم بصورت اعلان نشده‌جریان دا رد و روز بروز درحال گسترش است، نا گزیر ا ست ودر آنصورت مسؤو لیت عوا قب وخیم آن بد وش اسرا ئیل وحامیان آن خواهد بود .